

تاریخ دریافت : ۱۳۹۵/۰۶/۰۲
تاریخ پذیرش : ۱۳۹۶/۰۱/۲۶

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
An Introduction to the Concept of Privacy and How it is Realized
in theHouse Life-World1 Comparative Study in Pre-modern and Modern Iranian Houses
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مفهوم خلوت و چگونگی تحقق آن در زیست-جهان^۱ خانه ایرانی مطالعه تطبیقی آن در خانه ایرانی ماقبل مدرن و خانه مدرن ایرانی

حنانه خامنه‌زاده*

چکیده

خلوت به معنای فرآیندی که طی آن انسان به تنظیم حوزه رابطه خود با دیگران و تجربه خویش‌نگری نائل می‌شود بیش از هر مکان دیگری در "خانه" مجال بروز می‌یابد. این مقوله و تحقق پذیری آن در زیست-جهان خانه در این مقاله مورد بررسی و چالش قرار می‌گیرد.

این پرسش مطرح است که آیا شناسایی و ترسیم مدل‌های متعدد از نیاز انسان به خلوت، به تأمین همه جانبه آن در محیط خانه ایرانی - به خصوص در دوره معاصر - منتهی شده است؟

هدف تحقیق ارزیابی نحوه و میزان تأمین خلوت در خانه پیشامدرن و مدرن ایرانی برای بازشناسی الگوی تحقق آن در هر یک از این خانه‌هاست.

این تحقیق با رویکردی کیفی و براساس روش تفسیری- تاریخی، تحقق طیف خلوت را در دو گروه خانه‌های پیشامدرن و مدرن ایرانی مورد ارزیابی قرار داده است. فرضیه محوری این تحقیق آن است که عدم توجه به ماهیت طیف گونه خلوت در طراحی فضاهای زیستی و به خصوص "خانه"، سبب شده است تا در بسیاری از موارد این فضاها با عطف به تنها یک وجه از این مفهوم سامان یابند. "خلوت فردی" و "خلوت جمعی" در دو سوی طیف خلوت و دو وجه هم تراز از یک ماهیت‌اند و ضروری است توأمان برای تحقق خلوت بهینه مورد توجه قرار گیرند. اولویت‌بخشی به هر یک از این سطوح یا نادیده گرفتن هر کدام، می‌تواند به آسیب‌های روانی یا اجتماعی بیانجامد و فضای خانه را به محیطی ناکارآمد در تأمین نیازهای ساکنان تبدیل کند.

براساس نتایج حاصله، در بسیاری از موارد برخورد تک بعدی و یک جانبه با ماهیت طیف گونه خلوت در هر یک از این دو گروه خانه‌ها، به حذف بخشی از قلمروها منجر شده است. همین امر سبب شده است تا هویت فردی و هویت جمعی ساکنان خانه، هر کدام در یک گروه از این خانه‌ها مجال بیشتری برای بروز بیابند؛ لذا جهت تأمین همه جانبه نیازها و ایجاد تعادل میان این دو، توجه همه جانبه به طیف خلوت و اهتمام به تحقق همه وجوه آن، می‌تواند به عنوان رویکرد فراگیر مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی

طیف خلوت، خلوت فردی، خلوت جمعی، خلوت بهینه.

* کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، معمار / پژوهشگر، ایران. ۰۹۱۰۴۰۰۱۸۲۳ khamenezade@gmail.com

مقدمه

قرار گرفته است و آن "خلوت" است: ترکیبی شگفت که حاصل باز نشستن، اعتماد به خود، تنهایی، آرامش و اندیشه و تمرکز ذهن است» (الکساندر، ۱۳۷۱: ۴۰). نگاهی دوباره به معماری یا به عبارت درست‌تر، "ساختمان" خانه‌های امروزی کفایت تا جدال پیوسته میان ذات و کیفیت جدید واگذار شده به دیده آید: جایی که آشپزخانه‌های باز، تمام قد رو به سالن‌ها می‌ایستند و با مبلمان و دکور خود در سناریوی "نمایش" برای مهمانان پذیرای نقش اول می‌شوند، بی آنکه دغدغه‌ای برای مخدوش شدن تصویر و الگوی عام فضایی آنها به وجود آید (تصویر ۱ الف). جایی که به دلیل ملاحظات مادی و در سایه نازک شدن دیوارها، خلوت اتاق‌ها از هیاهوی تلویزیون و تماشاچیان‌ش آسیب می‌بیند. فضای مناسب برای راهروها و فیلترها به بهای افزایش متراتژ فضاهای پذیرایی و نشیمن، حذف شده به آنها می‌پیوندد و آستانه ورود، بی آنکه مطلعی باشد بر غزل خانه، بداهه‌ای می‌شود گشوده به قلب آن (تصویر ۱ ب). حقیقت آن است که آنچه در پیش آمدن همه این اتفاقات "عقب نشسته است"، موضوع "خلوت" است. در نشستن تلویزیون در شاه‌نشین خانه و انتقال صدای آن به تمام فضاها، در اتحاد ناهمگون مهمان‌خانه و نشیمن که فضای در کنار هم بودن و خلوت اعضای خانه را همواره دست نخورده و ویتربینی می‌خواهد و در تراس‌هایی که گاه بی هیچ توجیهی مثل یک خال بزرگ بر چهره نما درشتی می‌کنند و از دود و صدای خیابان برای خود سهمی می‌خواهند. حال آنکه تراس - چه ریشه در متناظر غربی خود داشته باشد و چه در ریشه در ایوان ایرانی - بنا بوده خلوتگاهی باشد تا در آن ساکنان خانه پیوند دوباره‌ای با طبیعت و منظر پیش رو برقرار کنند.



تصویر ۱. الف. یکپارچگی قلمروها و تداخل حوزه‌ها/ عدول از تأمین "خلوت جمعی" ساکنان خانه.. تبدیل شدن آشپزخانه به بخشی از "نشیمن- پذیرایی" خانه، ب. گشوده شدن مستقیم و بلاواسطه درب ورودی به واحد آپارتمانی شخصی/ کرج "نشیمن- پذیرایی" خانه و حذف راهری یا فیلتر ورود. واحد آپارتمانی شخصی/ تبریز. مأخذ: نگارنده.

انسان بسته به ظرفیت و عمق محیطی که در آن قرار می‌گیرد، مرتبه‌ای از مراتب وجود خود را می‌نماید و چنانچه محیط فاقد مرتبه بوده و تخت، یک سطحی و تک بعدی طراحی شود، چه بسا مانع آشکار شدن لایه‌های درونی‌تر وجود انسان شده یا به واکنش‌های پیش‌بینی‌ناپذیر و تدافعی او منجر شود. با در نظر گرفتن این واقعیت، فضا نیز در مقام بستر زندگی می‌تواند و باید در تناظر با این حقیقت وجودی، در لایه‌ها و سطوح مختلف سامان یابد. لذا توانایی و میل انسان برای ادراک و شهود، گواه چند لایه بودن وجود و ژرف نهاد بودن آن است و خلوت زادگاه چنین شهودی است. معماری امروز گاه - و نه البته در همه موارد - با ادغام تمام لایه‌های وجود و فراخوانی آن به سطحی‌ترین لایه، به خصوص در موضوعاتی از قبیل "خانه" که مجال چنین شهودی را فراهم می‌کنند، عملاً آن را نادیده گرفته است. کیفیتی که به یمن نوآوری‌های سازه‌ای و امکان ساخت فضاهای شفاف، و ارتباطات بی‌واسطه فضایی تجربه شد، بر اختیار معماری در "برگزیدن" آن فائق آمد. اگرچه نباید از نظر دور داشت که سبک زندگی امروزی و محدودیت‌های کالبدی و اقتصادی نیز گاه به این انتخاب شتاب داده‌اند. خلوت، گاه از موضوعاتی دریغ شده است که در ذات خود با شفافیت‌سازی ندارند. در افتادن با کیفیات ذاتی از آن جهت که در هر لحظه تخصصی میان ذات پدیده و کیفیت القا شده به آن در جریان است، فرار است و شکننده، به خصوص اگر کیفیات جدید در تعقیب اهداف مادی برآمده باشند. مذاقه در شکل رفتار در محیط‌هایی که در سایه چنین یکپارچگی و شفافیتی دفعتاً خلوت خود را از دست می‌دهند، نتایج قابل تأملی در بر دارد.

بیان مسأله

«خانه مکانی است که اولین تجربه‌های بی‌واسطه فضایی در انزوا و جمع در آن صورت می‌گیرد و خلوت ... بی‌عرض غیر در آن ممکن می‌شود» (ارژمند، ۱۳۹۱: ۲۷). این پرسش مطرح است که آیا شناسایی و ترسیم مدل‌های متعدد از نیاز انسان به خلوت، به تأمین همه جانبه آن در محیط خانه ایرانی - به خصوص در دوره معاصر - منتهی شده است؟ این امر به خصوص از آن رو حائز اهمیت است که خانه‌های با فضاهای یکپارچه و فاقد خلوت، تأثیرات ناخوشایندی بر ادراکات افراد بر جای می‌گذارند. بی‌توجهی به تعریف قلمروها، مغفول واقع شدن فضاهای شخصی و تعرض به خلوت افراد در پی تداخل حوزه‌ها در عرصه خانه ممکن است فرصت تجربه آرام و عمیق زندگی را از افراد سلب کند. الکساندر از جمله معمارانی است که مکرراً به خطر از دست رفتن خلوت اشاره می‌کند: «بیش از همه یکی از مظاهر گرانبه‌های گذشته در خطر نابودی سریع

ساختن یک مسکن پدیده‌ای فرهنگی است، شکل مسکن و سازمان و نظم فضایی آن، شدیداً متأثر از محیط فرهنگی که مسکن به آن تعلق دارد است» (راپوپورت، ۱۳۸۸: ۸۲). لذا «آنچه برای شکل ساخته شده اهمیت دارد نوع پاسخی است که از نقطه نظر فرهنگی به نیازها می‌دهیم» (راپوپورت، ۱۳۸۸: ۱۰۰). این موضوع سبب می‌شود که حتی با وجود تعریف‌ها و تحلیل‌های پایه‌ای نسبتاً واحد از نیاز انسان به خلوت، با پاسخ‌های متعدد برای آن در فرهنگ‌های مختلف مواجه شویم. در مورد تحقق خلوت در خانه ایرانی، مطالعاتی صورت گرفته است. این مطالعات بیشتر به صورت مقاله و نه تألیف مجموعه‌ای جامع بوده است. این مقاله عمدتاً در پی آن است تا در ادامه این مطالعات، به بخش کمتر پرداخته شده این موضوع یعنی تحقق خلوت در خانه معاصر ایرانی پرداخته و نحوه تحقق آن را در قیاس با گذشته این خانه‌ها مورد ارزیابی قرار دهد.

مبانی نظری

• تعریف خلوت

«خلوت ... به معنای خالی کردن خود از غیر و آزاد شدن از محیط پیرامون است» (نصیری، ۱۳۸۸: ۳۸). «کلون خلوت را حفاظی می‌داند که فرد برای دوری از نفوذ و قدرت دیگران اطراف خود ایجاد می‌کند» (آلتمن، ۱۳۸۲: ۲۶). در برخی دیگر از تعاریف، خلوت مفهومی با سطوح متباین و نوعی فرآیند، معرفی شده است. «خلوت فرآیند نظارت بر مرز خود/دیگری است. فرد گاه نیاز به "با دیگران بودن" دارد و گاه نیاز به "جدا از دیگران بودن". لذا خلوت، فرآیندی دیالکتیکی و دائم در حال تغییر است» (همان: ۱۴). این ماهیت، ایجاد تعادل میان خلوت و تعامل را اجتناب ناپذیر می‌سازد. فرد یا گروه در صورتی از خلوت برخوردار است که بتواند در سطوح مختلف از ملاحظات و قیود اجتماعی یا عمومی فراغت یابد. «احساس خلوت بیشتر با کنترل انسان بر محیط زندگی خصوصی و احساس اختیار در برخوردهای متقابل اجتماعی به دست می‌آید» (عینی‌فر، ۱۳۷۹: ۱۱۲). لذا محیطی فرآیند خلوت را دست یافتنی می‌کند که در سطوح متفاوت و قابل کنترل، سامان‌دهی شده باشد.

• کارکرد خلوت؛ خویش‌نگری - تکوین هویت فردی/جمعی یکی از مؤثرترین کارکردهای خلوت، ایجاد فرصت برای خویش‌نگری و بازبینی ارتباطات، تفکرات و رفتارهاست. «خویش‌نگری مستلزم فرصتی است که افراد یا گروه‌ها به خود نگاهی بیندازند و خود را توصیف و ارزیابی کنند. این کار معمولاً در حضور غیر انجام نمی‌گیرد» (آلتمن، ۱۳۸۲: ۵۷). «خلوت همچنین به عزت نفس و تعیین اهداف شخصی کمک می‌کند» (همان: ۵۹). خلوت حالتی است که در آن فرد توان



تصویر ۱. ب. یکپارچگی قلمروها و تداخل حوزه‌ها/ عدول از تأمین "خلوت جمعی" ساکنان خانه. الف. تبدیل شدن آشپزخانه به بخشی از "نشیمن-پذیرایی" خانه، گشوده شدن مستقیم و بلاواسطه درب ورودی به واحد آپارتمانی شخصی/ کرج "نشیمن-پذیرایی" خانه و حذف راهریا فیلتر ورود. واحد آپارتمانی شخصی/ تبریز. مأخذ: نگارنده.

پیشینه تحقیق

پژوهشگران بسیاری درباره خلوت، ضرورت‌ها و لوازم تحقق آن به اظهار نظر و مطالعه پرداخته‌اند. این موضوع چه در حوزه علوم انسانی و رفتاری و چه در حوزه روانشناسی محیط در معماری، مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. از آنجا که موضوع خلوت و قلمروها، از پایه‌ای‌ترین بحث‌ها در تشکیل و ادامه حیات اجتماعات انسانی است، از دیدگاه جامعه‌شناسان نیز مغفول نمانده است. جامعه‌شناسانی نظیر ریچارد جنکینز و ایروین آلتمن و انسان‌شناسانی چون ادوارد هال به نظریه‌پردازی در باب قلمروها و نیاز به خلوت پرداخته‌اند. در حوزه روانشناسی معماری نیز معمارانی چون آموس راپوپورت و الکساندر علل و لوازم نیاز انسان به خلوت در محیط‌های معماری و به خصوص خانه را مورد کنکاش و مطالعه قرار داده‌اند. راپوپورت می‌نویسد: «از آنجا که

طیف خلوت، دو مفهوم "خلوت جمعی" و "خلوت فردی" قابل تعریف است (نمودار ۱). از نظر جنکینز - نظریه پرداز حوزه جامعه‌شناسی - «هویت فردی بر تفاوت‌ها و هویت جمعی بر شباهت‌ها تأکید دارد» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۴). بر این اساس، خلوت فردی مجالی ایجاد می‌کند تا هویت فردی ساکنان خانه براساس تفاوت‌های آنها شکل گیرد و خلوت جمعی فرصتی جهت تکوین هویت جمعی ایشان بر پایه اشتراکات میان آنها تدارک می‌بیند (نمودار ۱).

در مجموع تعاریف پرشماری از این مفهوم در مباحث مطرح شده از سوی پژوهشگران وجود دارد، لیکن تعاریف پیش گفته از سوی پژوهشگران در باب خلوت و مدل ارائه شده در بالا را می‌توان در جدولی مطابق زیر جمع بندی و ارایه کرد:

روش تحقیق

در این بخش، تحقق خلوت فردی و خلوت جمعی در نمونه‌هایی از دو گروه خانه‌های پیشامدرن و خانه‌های معاصر ایران مورد مطالعه قرار گرفته است. از آنجا که مدارک مستند و مکتوب پر شماری از خانه‌های ایرانی پیش از دوران صفویه در دست نیست و خانه‌های به جا مانده از این دوران عموماً خانه‌های طبقه متمول، کاخ‌ها و خانه باغ‌های وسیع‌اند، برای ارزیابی شرایط زندگی جاری مردم، خانه‌های متوسط نشین دوره قاجار و پهلوی اول که هنوز دستخوش تحولات مدرن نشده‌اند، در بخش خانه‌های پیشامدرن مورد مطالعه قرار گرفته است. در بخش خانه‌های معاصر - فارغ از خانه‌های مدرن اولیه در ایران که عمدتاً توسط معماران نام‌آور و برای کارفرمایان شخصی طراحی شده‌اند و متأسفانه علیرغم پاسخده بودن عمومیت و جامعیت نیافته‌اند - از خانه‌های احداثی طبقه متوسط که زندگی غالب مردم، در حال حاضر در آنها جاری است و عموماً در اختصاص فضا به کاربری‌ها از الگوی واحدی تبعیت می‌کنند، به نمونه‌هایی اشاره شده است.

• خانه‌های پیشامدرن

در پژوهشی با عنوان "مطالعه تطبیقی مفهوم خلوت در خانه درون‌گرایی ایرانی و خانه برون‌گرایی غربی"، نحوه

رسیدن به ژرفای درون و حق موجود در درون خویش را داراست (نصیری، ۱۳۸۸: ۳۹). وستین معتقد است «خلوت استقلال فردی را تأمین می‌کند... به خود ارزیابی کمک می‌کند و ارتباطات را محدود و از آنها محافظت می‌کند» (لنگ، ۱۳۸۶: ۱۶۶). کوپر مارکوس می‌نویسد: «وقتی بیشتر خودمان می‌شویم به تعبیر مازلو، "خودشکوفاتر" می‌شویم» (مارکوس، ۱۳۸۲: ۱۰۰). بنابر این دیدگاه‌ها، اعتبار بخشی به شرایطی که فرد یا گروه در آنها در جستجوی خلوت است و تخصیص فضا به آنها، علاوه بر بهبود کارکرد فضاها، مجالی برای ارزیابی و ترمیم روابط تدارک دیده و این فرصت را فراهم می‌کند که لایه‌های درونی‌تری از وجود که در حضور دیگران کمتر قابل دسترسی و بیشتر فرآیند، در دایره ادراک قرار گرفته و شکوفا شوند.

• مراتب خلوت / خلوت بهینه

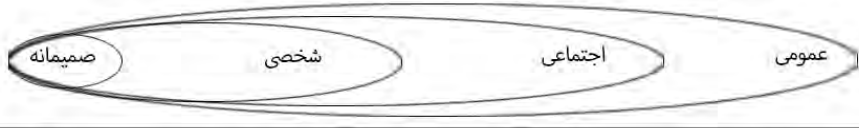
در تعریف آلتمن خلوت فرآیندی است با دو حد نهایی ازدحام و انزوا، وقتی میزان خلوت کسب شده کمتر از خلوت مطلوب است فرد گرفتار تعرض به خلوت، یا ازدحام است و هنگامی که میزان خلوت کسب شده بیشتر از خلوت مطلوب است، شخص به بی‌حوصلگی، تنهایی و انزوا دچار می‌شود (آلتمن، ۱۳۸۲: ۳۲). حال این مفهوم را در لایه‌های چهارگانه‌ای که در نزدیکی افراد به یکدیگر تعریف می‌کند، مورد توجه قرار داده است: فاصله‌های صمیمانه، شخصی، اجتماعی و محدوده عمومی (هال، ۱۳۷۶: ۱۶۱). این محدوده‌ها در شعاع‌های متفاوتی از یک کنشگر شکل می‌گیرند و بسته به اینکه او مایل به برقراری چه سطحی از ارتباط است، توسعه می‌یابند. «از منظر وستین چهار نوع خلوت قابل شناسایی است: انزوا یا آزاد بودن از مشاهده شدن، قرابت یا معاشرت با فردی دیگر، گمنامی یا ناشناخته بودن در جمع، مدارا یا به کار گرفتن موانع روان‌شناختی برای کنترل مزاحمت‌های ناشناخته» (لنگ، ۱۳۸۶: ۱۶۶).

این تعاریف، نشان‌دهنده آن است که پژوهشگران مراتبی را بر مفهوم طیف گونه خلوت مترتب دانسته‌اند. با عطف توجه به این تعاریف و در موضوع خانه، در حد فاصل دو حد نهایی



نمودار ۱. الف. "خلوت فردی" و "خلوت جمعی" و جایگاه آنها در طیف خلوت. مأخذ: نگارنده.

جدول ۱. مقایسه تطبیقی تقسیم‌بندی‌ها یا الگوهای ارایه شده در باب طیف خلوت. مأخذ : نگارنده.

تقسیم بندی ها / الگوها				
انزوا ← خلوت → ازدحام		ایروین آلتمن		
		ادوارد هال		
تنهایی	نزدیکی یا محرمیت	گمنامی	خودداری یا توداری	وستین
انزوا	خلوت بهینه	خلوت جمعی	ازدحام	پژوهش حاضر

افراد یک مرتبه و ناگهانی وارد خانه نشوند و از فضای ورودی به فضاهای داخل خانه دید مستقیم وجود نداشته باشد» (بانی مسعود، ۱۳۸۰: ۲۸۸). در واقع در گرد هم آیی ساکنان خانه فارغ از جهان بیرون، نوعی از خلوت تأمین می‌شود که می‌توان آن را "خلوت جمعی" نامید. گیفورد تأکید می‌کند که «همنشینی نیز نوعی از روند خلوت‌گزینی است» (گیفورد، ۱۳۷۸: ۷۰). در این حیاط‌ها گرد هم زیستن چند خانواده که اغلب با یکدیگر نسبت خانوادگی داشتند یا اعضای یک خانواده با هم، این خلوت جمعی را محقق می‌کند. خلوتی که در آن افراد با یکدیگر محرم و از غیر بیگانه‌اند. علاوه بر این و در مرحله بعد، ایوان‌ها، طنبی‌ها و تالارها محل گرد هم آیی اعضای خانواده بوده‌اند. مجموع این فضاها قلمرویی را برای تحقق "کاراکتر جمعی" اعضای خانه تدارک می‌بیند. امری که عموماً در طراحی خانه‌های ما قبل مدرن و متأثر از زندگی الگومدار رعایت می‌شده است (تصویر ۲).

اما آنچه در این رویکرد تا حدی یک جنبه نگر - در خانه‌های ما قبل مدرن ایرانی -، مغفول به نظر می‌آید وجهی از طیف خلوت است که طی آن "هر یک از اعضای خانه" فرصت و امکان آن

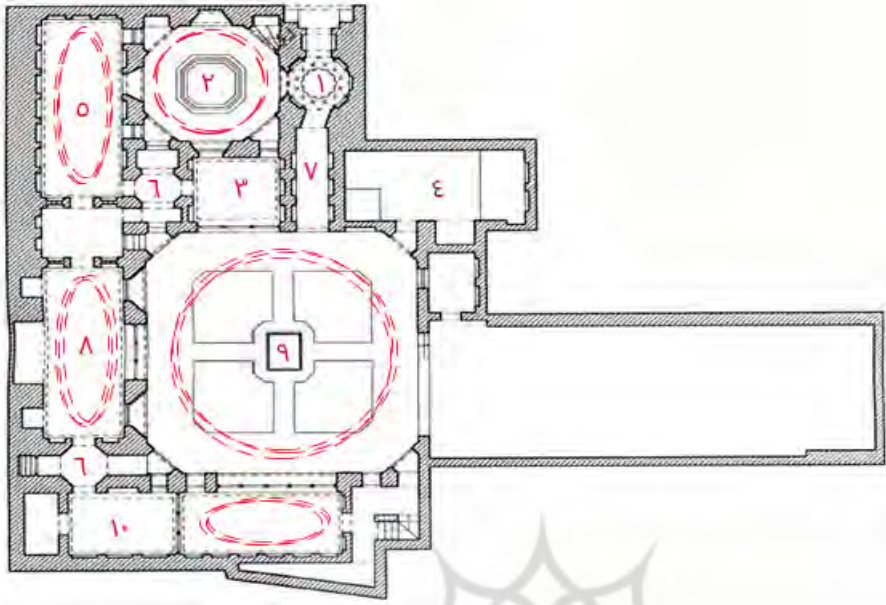
تحقق مراتب خلوت در خانه ایرانی ما قبل مدرن چنین تبیین شده است (جدول ۲) :

در این جدول دستیابی به خلوت در محیط خانه به سه مرحله تقسیم شده است : «ورودی و اجزای آن، که پر جزء ترین قسمت خانه و به عبارتی محل تشریح این مفهوم است، مرحله تبیین خلوت، فضاهای مرکزی خانه محل تقسیم خلوت و تفکیک دسترسی‌ها به اجزای دیگر خانه، و فضاهای شخصی‌تر خانه چون اتاق‌ها محل تخصیص خلوت به افراد یک خانه» (نصیری، ۱۳۸۸: ۴۰). به عبارتی پس از پشت سر نهادن جهان بیرون از خانه، تأمین خلوت ساکنان خانه از محل ورودی آغاز می‌شود. این پژوهش در باب خانه سنتی درون‌گرای ایرانی که اغلب واجد حیاط مرکزی و فضاهای پیرامونی آن بوده است صورت گرفته است.

در این خانه‌ها فضاهای خانه براساس گونه‌ای از سلسله مراتب دسترسی از حوزه عمومی به حوزه خصوصی شکل گرفته‌اند. «در خانه سنتی ایرانی سردر ورودی، هشتی، دالان و حیاط ردیف سلسله مراتب فضاهایی است که دسترسی را به اندرون خانه ممکن می‌سازد... فضای ورودی خانه یکی از فضاهای مهم و قابل توجه در طراحی چنین بناهایی بود... تا

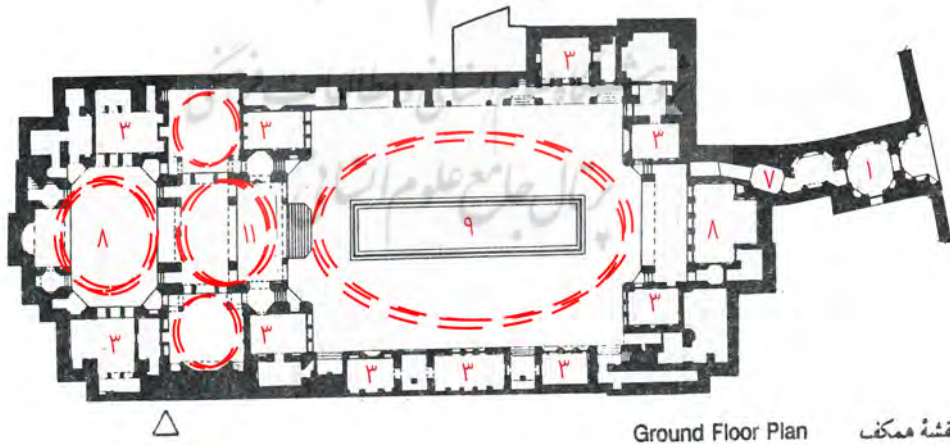
جدول ۲. مراحل دسترسی به فضاها از ورودی تا درونی‌ترین بخش خانه در خانه درون‌گرای ایرانی. مأخذ : نصیری، ۱۳۸۸: ۴۰.

مرحله سوم	مرحله دوم	مرحله اول	
فضاهای عمومی خانه (بیرونی) + فضاهای خصوصی خانه (اندرونی)	حیاط مرکزی (نقطه مرکزی: آب و طبیعت) + شاه نشین	ورودی (پیشگاه + سکو + درگاه + هشتی + دالان)	خانه درون‌گرای ایرانی



- ۱- هشتی ورودی
- ۲- حیاط بیرونی
- ۳- سه دری
- ۴- انبار
- ۵- طنبی
- ۶- گوشوار
- ۷- دالان
- ۸- تالار
- ۹- حیاط اندرونی
- ۱۰- اتاق
- ۱۱- ایوان

تصویر ۲. الف. سلسله مراتب ورود و دسترسی به فضاهای تأمین کننده خلوت جمعی در نمونه‌های خانه سنتی ایرانی. خانه بهشتی، قزوین، مأخذ: بی‌نام، ۱۳۸۵: ۱۱۱. ب. خانه بروجردی‌ها، کاشان، مأخذ: قبادیان، ۱۳۹۲: ۱۳۰.



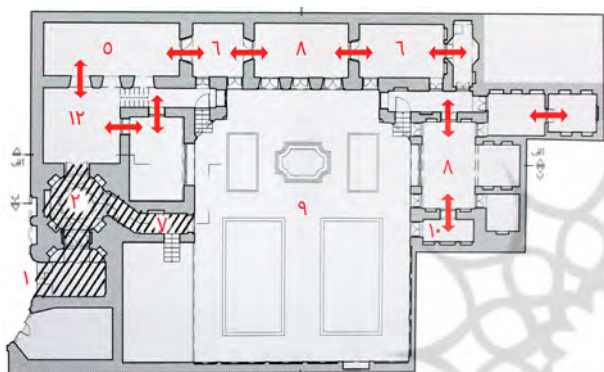
نقشه همکف Ground Floor Plan

تصویر ۲. ب. سلسله مراتب ورود و دسترسی به فضاهای تأمین کننده خلوت جمعی در نمونه‌های خانه سنتی ایرانی. خانه بروجردی‌ها، کاشان، مأخذ: قبادیان، ۱۳۹۲: ۱۳۰.

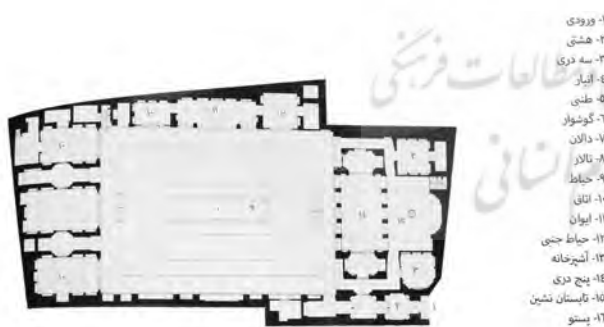
دیگران به آن در طولانی مدت می‌تواند باعث از دست رفتن عزت نفس یا هویت فردی شود» (آلتمن، ۱۳۸۲: ۱۴۰). در این خانه‌ها خانه‌های پیشامدرن - عموماً اتاق شخصی به افراد اختصاص داده نمی‌شد و افراد حتی در درونی‌ترین اتاق‌های خانه به شکل جمعی فعالیت، استراحت و زندگی می‌کردند یا هر اتاق همزمان به چند

را داشته باشد که فارغ از جمع سایرین به امر خویش بپردازد و در تکوین هویتی مستقل برای خویش بکوشد؛ از منظر گیفورد «تنها بودن در یک فضا نوعی خلوت به شمار می‌آید» (گیفورد، ۱۳۷۸: ۷۰). برای دستیابی به چنین خلوتی به قلمروهای فردی نیاز است. «نداشتن چنین قلمروی یا ناتوانی در تنظیم دسترسی

است. در این دوره به تخصیص فضاهای فردی به تک تک اعضای خانه و شکل‌گیری "کاراکتر فردی" توجه مضاعفی مبدول شده است. در همان حال که تنوع و قوام فضاهای تأمین کننده خلوت جمعی، به دلیل یکپارچه کردن آنها از میان رفته است. «در این طرح‌ها، فضاهایی مانند اتاق نشیمن و پذیرایی و حتی آشپزخانه، از جداسازی لازم به عنوان یک اتاق یا فضای خصوصی خانواده برخوردار نیستند» (قاسم‌زاده، ۱۳۸۹: ۷). «در غرب به خصوص پس از جنگ



تصویر ۳. ب. ارتباط و دسترسی مستقیم اتاق‌های خصوصی به فضای جمعی یا به یکدیگر/ اتاق‌ها عموماً فاقد مالکیت شخصی‌اند. خانه سعدالسلطان، قزوین. مأخذ: بی نام، ۱۳۸۵: ۱۲۹.



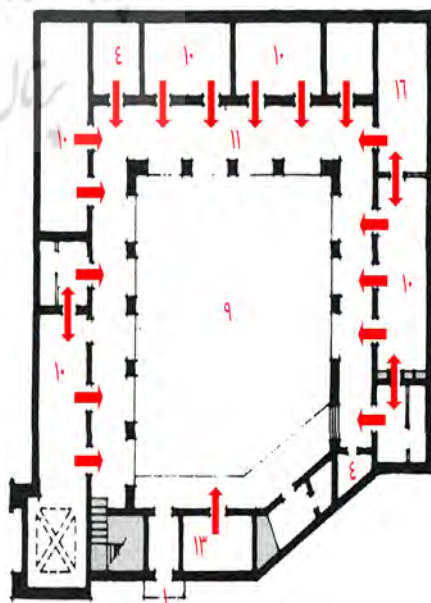
تصویر ۳. ج. ارتباط و دسترسی مستقیم اتاق‌های خصوصی به فضای جمعی یا به یکدیگر/ اتاق‌ها عموماً فاقد مالکیت شخصی‌اند. خانه تهامی، کاشان. مأخذ: موسوی روضاتی، ۱۳۷۵: ۵۴.

جهانی دوم تمایلی در نزدیک کردن فضای خصوصی و عمومی دیده می‌شود. در نتیجه فضای بینابینی در درون خانه که واسطه میان فضای بیرون و داخل خانه محسوب می‌شد تقریباً از میان رفته است. از سوی دیگر در درون خود خانه مرز میان زندگی فردی تک تک اعضای خانواده، در ابتدا با جدا شدن اتاق کودکان از والدین و سپس جدایی اتاق‌های فرزندان از یکدیگر در درجه نخست اهمیت قرار گرفته است. اگر در این

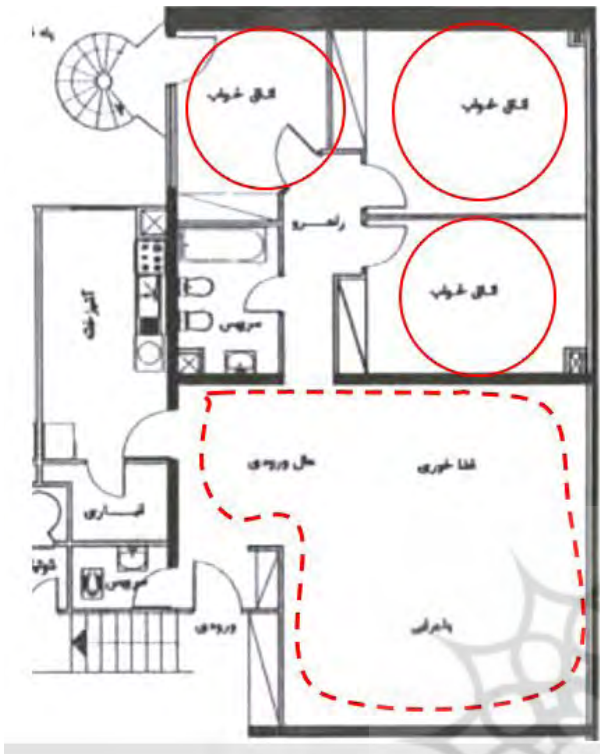
نفر تعلق داشت. اتاق‌ها اغلب بیش از یک در داشته یا به یکدیگر راه داشته‌اند (تصویر ۳ ب و ج)، به نحوی که اغلب برای دسترسی به یک اتاق، خلوت سایر اتاق‌ها مخدوش می‌شده است؛ لذا ندرتاً مکانی برای تأمین خلوت فردی وجود داشته است. در این خانه‌ها اتاق‌هایی با دسترسی محدودتر در زیرزمین یا طبقه بالا وجود دارد. اما اتاق‌های مجزایی از این دست هم، بیش از آنکه محل خلوت فردی افراد باشند محل‌هایی برای فعالیت‌های جمعی مجزا بوده‌اند. عنوان‌هایی نظیر مهمان‌خانه، صندوقخانه، مطبخ (محل طبخ) یا آشپزخانه، شاه‌نشین، بالاخانه (گوشوار)، سه دری - «سه دری اتاق خواب خانه بوده است» (پیرنیا، ۱۳۸۱: ۱۶۲) -، هیزم‌خانه و ... برای اتاق‌های خانه، حاکی از آن است که اتاق‌ها بیشتر قلمرو عملکردها و نه افراد بوده‌اند. اگرچه در این گروه خانه‌ها نیز فضاهایی نظیر گوشوارها به عنوان فضاهای خلوت‌گزینی افراد در نظر گرفته می‌شده‌اند، اما استفاده همزمان بیش از یک نفر از اعضای خانه از این اتاق‌ها، امکان شخصی سازی و فردیت بخشی به آنها را سلب می‌کرده است؛ نتیجه، اتاقی بوده است خلوت اما خالی از همه آنچه - لوازم و متعلقات شخصی - شاید کسی نیاز داشته باشد تا در خلوت خود به آن پناه ببرد (تصویر ۳).

• خانه‌های معاصر

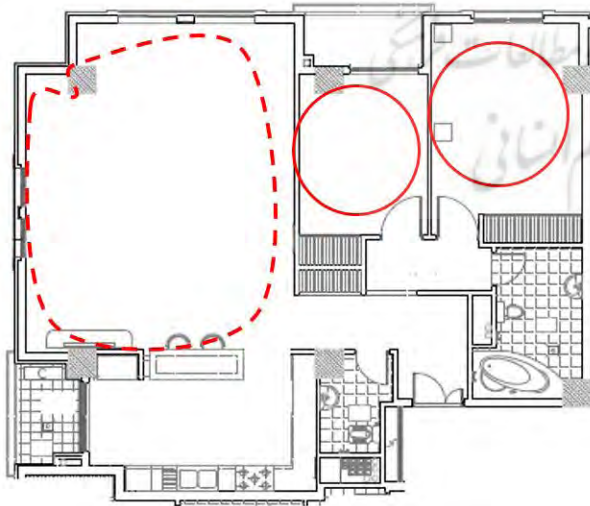
وجه دیگر از طیف خلوت یا "خلوت فردی"، موضوعی است که عمدتاً در معماری خانه‌های معاصر ایرانی - که نوعی گرت‌برداری از تحولات معماری مدرن غرب نیز در آنها دیده می‌شود - مورد توجه قرار گرفته و به نحوی پاسخ یافته



تصویر ۳. الف. ارتباط و دسترسی مستقیم اتاق‌های خصوصی به فضای جمعی یا به یکدیگر/ اتاق‌ها عموماً فاقد مالکیت شخصی‌اند. خانه‌ای در منطقه کویری ایران. مأخذ: قبادیان، ۱۳۹۲: ۷۴.



تصویر ۴. الف. نزدیکی و یکپارچگی فضاهای جمعی از یک سو و تخصیص فضا به تک تک افراد خانه از دیگر سو در خانه پسا مدرن ایرانی. آپارتمان‌های سه خوابه، شهرک مسکونی اکباتان تهران.



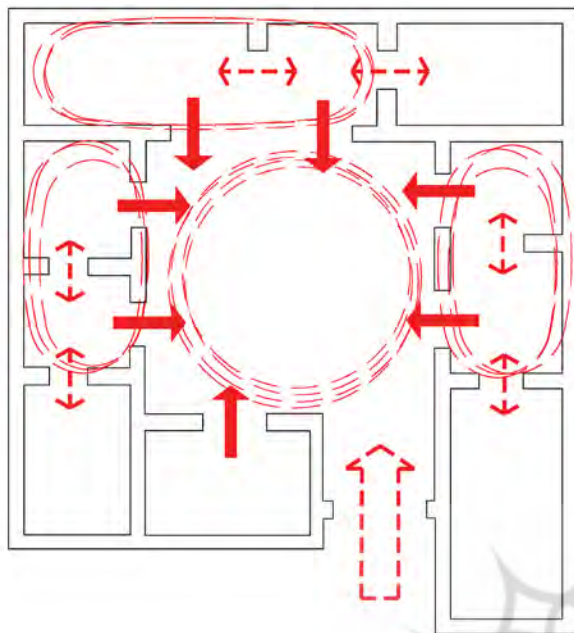
تصویر ۴. ب. نزدیکی و یکپارچگی فضاهای جمعی از یک سو و تخصیص فضا به تک تک افراد خانه از دیگر سو در خانه پسا مدرن ایرانی. آپارتمان‌های دو خوابه، شرکت خانه‌سازی باغمیشه تبریز. مأخذ: پایگاه اینترنتی رسمی شهرک مسکونی اکباتان.

نوع معماری از یک سو گرایشی جدی در نزدیک ساختن و گاه حتی واحد گرداندن اتاق مهمان‌خانه با سالن و حتی آشپزخانه دیده می‌شود، از سوی دیگر تا حد امکان، فضای خصوصی تک تک اعضای خانواده در نظر گرفته می‌شود» (بانی مسعود، ۱۳۸۰: ۲۸۹) (تصویر ۴). کوپر مارکوس که در "خانه نماد خویشتن"، مطالعه‌ای در باب وجه روان‌شناختی خانه و قلمروگزینی در آن انجام داده است، در تحلیل خود از آرایش داخلی یکی از مجتمع‌های شهری می‌نویسد: «آرایش اتاق‌های خواب، تنها فضای خصوصی ساکنان، به نحوی جذاب و بسیار شخصی نماد خویشتنی بود که فضا به آن تعلق داشت. با وجود این، اتاق‌های نشیمن، قلمرو جمعی شش یا هشت یا ... شخصیت متفاوت، آرایش ساده‌ای داشت؛ زیرا از قرار معلوم مسئله به توافق رسیدن چند نفر با خویشتن‌های متفاوت بیش از آن دشوار بود که بتوان بر آن فائق آمد» (مارکوس، ۱۳۸۲: ۹۴). در واقع از آنجا که در فضاهای جمعی خانه امکان ظهور و شکوفایی خویشتن افراد به دلیل تعلق آن به چند نفر دشوار است، بخشی از هویت یا خویشتن فردی آنها - نظیر آنچه دوست دارند بر در و دیوار اتاق ببینند- تنها در فضاهای فردی ایشان امکان و مجال بروز می‌یابد.

مشابه همین اتفاق در معماری خانه‌های معاصر ایرانی نیز رخ داده است. به این معنا که حرکت به سمت تخصیص فضا به خلوت فردی با حذف یا اختصار بخشی به فضاهای خلوت جمعی همراه بوده است. به عبارتی در خانه‌های معاصر ایرانی یک یا چند فضای خصوصی - بسته به توان مالی خانواده و مساحت زمین موجود - به اعضای خانه و خلوت فردی اختصاص داده شده است، اما در عین حال شخصیت، ارزش و قوام فضاهای جمعی در قیاس با خانه‌های پیشامدرن به شدت فروکاهیده شده است. نتیجه، اغلب اتاقی است بزرگتر از سایر اتاق‌ها به عنوان تنها فضای جمعی خانه، که اتاق‌های خصوصی‌تر و فضاهای خدمات‌رسان عموماً بدون واسطه یا با مفاصل بسیار ضعیف در اطراف آن چیده شده‌اند.

یافته‌ها

همان‌طور که در بررسی‌ها مشخص شد، در خانه‌های پیشامدرن ایرانی فضاهایی متنوع و به تعداد قابل توجه، به حضور افراد در کنار یکدیگر یا انجام یک فعالیت در جمع سایر افراد خانه اختصاص می‌یافته است. بسیاری از خصوصیات این اتاق‌ها نظیر محل استقرار، تعداد و محل بازشوها و ورودی‌ها، ابعاد و حتی نام آنها حاکی از آن است که این فضاها مختص فعالیت‌های جمعی یا دست کم حضور بیش از یک فرد بوده‌اند؛ در مقابل، در این خانه‌ها ندرتاً با اتاق‌هایی مواجهیم که اختصاصاً به خلوت فردی اعضای خانه تعلق داشته باشد. در سوی دیگر و در خانه‌های معاصر، از تعدد و تنوع فضاهای

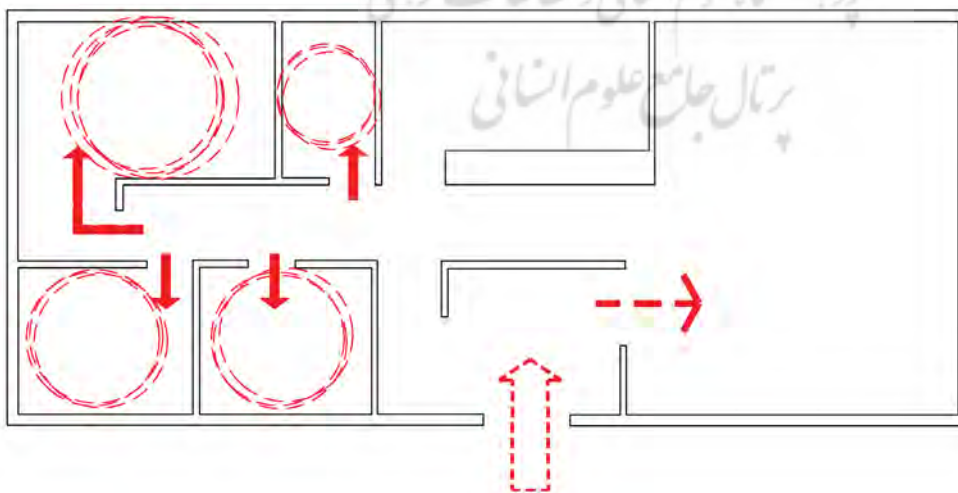


تصویر ۵. الف. خلوت جمعی و خلوت فردی قبل و بعد از تحولات نوگرایانه در معماری خانه ایرانی. مأخذ: نگارنده. اولویت بخشی به خلوت جمعی اعضای خانه در دوران ما قبل مدرن، فضاهای جمعی متنوعی در خانه وجود داشته است، ولی عموماً اتاق شخصی به افراد اختصاص داده نمی شد و افراد حتی در اتاق‌های درونی خانه به شکل جمعی فعالیت، استراحت و زندگی می کردند و یا هر اتاق همزمان به چند نفر تعلق داشت. اتاق‌ها اغلب بیش از یک در داشته و یا به یکدیگر راه داشته اند. ندرتاً مکانی برای تأمین خلوت فردی وجود دارد. مأخذ: نگارنده.

جمعی به شکل قابل توجهی کاسته شده و این فضاها در بسیاری موارد حذف یا در هم ادغام شده‌اند؛ لیکن در مقابل، در اغلب این خانه‌ها موضوع تخصیص اتاق به خلوت افراد متناسب با نیاز آنها - به عنوان نمونه اتاق والدین یا اتاق‌های مجزا برای فرزند دختر و پسر خانواده - به خوبی مورد توجه قرار گرفته است (تصویر ۵).

بحث

اگر در معماری خانه ایرانی تا دوران مدرن عدم توجه به فضاهای فردی فرصت آفرینش گری فردی و خلاقیت، خویش‌نگری، و استقلال‌مندی را از افراد سلب می کرده است و امکان شکل‌گیری هویت فردی را کمتر فراهم می آورده است، معماری خانه امروزی با طراحی تخت و تک بعدی فضاهای جمعی خانه، فرصت با هم بودن و تحقق هویت جمعی را از افراد خانه گرفته است. تنها فضای جمعی خانه در اغلب موارد، فضایی است کمی بزرگتر از سایر اتاق‌ها، که همه فعالیت‌های جمعی از قبیل تماشای تلویزیون با صدای بلند، بازی کودکان، صرف غذا و حتی مطالعه، بدون سلسله مراتب و قلمرو بندی و وجود فضاهای مابین، در آن احتمال وقوع می‌یابد. بنابراین می توان گفت در هر کدام از این دو گروه خانه‌ها - "خانه‌های پیشامدرن ایرانی" و "خانه‌های مدرن ایرانی" - یکی از دو حد طیف خلوت بیشتر تعیین یافته است. حال آن که در یک رویکرد فراگیر، ضروری است توجه همه جانبه به طیف خلوت و اهتمام به تحقق همه وجوه آن مورد توجه قرار گیرد.



تصویر ۵. ب. خلوت جمعی و خلوت فردی قبل و بعد از تحولات نوگرایانه در معماری خانه ایرانی. مأخذ: نگارنده. اولویت بخشی به خلوت فردی اعضای خانه در دوران مدرن. عمده فعالیت های افراد به اتاق های اختصاصی آنان انتقال یافته است. فضای جمعی خانه، ساده و فاقد بخش های متباین است؛

فضاهای متنوع چندانی برای تأمین خلوت جمعی وجود ندارد. مأخذ: نگارنده.

الگوی تحقق خلوت در خانه مدرن ایرانی	الگوی تحقق خلوت در خانه پیشامدرن ایرانی
اولویت بخشی به خلوت فردی اعضای خانه	اولویت بخشی به خلوت جمعی ساکنان خانه
اختصاص فضا به هر یک از اعضای خانه (به طور کلی و نه در همه موارد)	اختصاص فضا به فعالیت های متباین جمعی
عدم وجود فضاهای متباین جمعی جهت انجام فعالیت های جمعی متنوع	عدم اختصاص فضا به خلوت فردی اعضای خانه
یکپارچگی فضاهای جمعی گذشته و ادغام آنها در فضایی واحد	اختصاص فضا به عملکردهای مجزا و نه افراد

جدول ۳. مقایسه الگوی تحقق خلوت در خانه پیشامدرن و مدرن ایرانی. مأخذ: نگارنده.

نتیجه گیری

خلوت فردی و خلوت جمعی در دو سوی طیف خلوت و دو وجه از یک ماهیت واحدند. توجه به یکی از آنها فارغ از دیگری فضاهایی را به وجود می‌آورد که در آنها افراد به دلیل عدم تأمین خلوت فردی از آفرینش گری و خویش‌نگری باز مانده‌اند یا به دلیل عدم توجه به خلوت جمعی در فضای خانه، از جمع‌گریزان و روی‌گردانند. پیرو همین اصل هویت منحصر به فرد افراد در خانه‌های پیشامردن ایرانی بسیار کم‌رنگ بوده است و افراد اغلب به سبک و سیره خانواده ادامه حیات می‌داده‌اند، از سویی در خانه‌های مدرن معاصر نیز گرایش بسیار کمتری به گرد آمدن در فضای جمعی خانه و گذران اوقات با یکدیگر در راستای تکوین هویت جمعی وجود دارد؛ چرا که اغلب، تنها فضای جمعی خانه فضایی است که از ادغام همه فضاهای جمعی متباین گذشته پدید آمده است. اگر به چینش و همجواری ریز فضاهای خانه متناظر با سلسله مراتب طیف خلوت توجه کنیم و آنها را بر حسب میزان توقع از فضا برای تحقق خلوت کنار هم بنشانیم، آنگاه می‌توان ادعا کرد که برای موجودیت طیف گونه خلوت متناظری در جهان بیرون یافته‌ایم. برای این مهم می‌توان فضاها را در یک پیوستار بر حسب توانی که در گردآوردن ساکنان در کنار هم و تأمین خلوت کمینه یا خلوت جمعی تا تأمین خلوت بیشینه یا خلوت فردی دارند، طبقه‌بندی کرد. برای آنکه فضاهایی منعطف طراحی شده باشند که امکان مدیریت ارتباط و تأمین خلوت بهینه را فراهم آورند علاوه بر طراحی سلسله مراتبی نیازمند مفاصلی هستیم که انتقال از سطحی از خلوت به سطح دیگر را نه دفعتاً و ناگهانی بلکه به گونه‌ای نامحسوس و پیوسته میسر سازند.

پی‌نوشت‌ها

۱. هابرماس جهان را به زیست-جهان (جهان زندگی) و نظام (جهان اجتماعی) طبقه‌بندی می‌کند. نظام، مبتنی بر کنش عقلانی معطوف به هدف و زیست-جهان مبتنی بر کنش ارتباطی و رابطه ذهنی بین انسان‌هاست. «زیست-جهان محل ارتباط و تعامل خرد ارتباطی کنشگران است و از فرهنگ، جامعه و شخصیت تشکیل می‌شود» (بیانی، ۱۳۹۴: ۱۹۸). در واقع زیست-جهان شامل حوزه‌ای از تجربیات فرهنگی و کنش‌های متقابل ارتباطی است که پایه‌ای برای تمام تجربیات زندگی به شمار می‌روند. از آنجا که روابط انسانی در خانه از نوع اول و مبتنی بر ارتباط بین انسان‌ها فارغ از ملاحظات و تعینات عقلانی و هدف‌گذاری شده است و از طرفی موضوع خلوت در ارتباط مستقیم با روابط انسانی قرار می‌گیرد، در این مقاله خانه به مثابه گونه‌ای از زیست-جهان در نظر گرفته شده است.

فهرست منابع

- ارژمند، محمود و خانی، سمیه. ۱۳۹۱. نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، (۷) : ۳۸-۲۷.
- آلتمن، ایروین. ۱۳۸۲. محیط و رفتار اجتماعی (خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام)، ت: علی نمازیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- الکساندر، کریستوفر. ۱۳۷۱. عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی. ت: منوچهر مزینی. تهران: دانشگاه تهران.
- بانی‌مسعود، امیر. ۱۳۸۰. معماری معاصر ایران. تهران: نشر هنر معماری قرن.
- بیانی، فرهاد و گلابی، فاطمه و علی پور، پروین. ۱۳۹۴. زیست جهان یا نظام؟، زیست جهان و نظام؟ (بررسی تلفیق در اندیشه یورگن هابرماس). فصلنامه راهبرد، (۷۷) : ۲۱۶-۱۹۱.
- بی‌نام. ۱۳۸۵. یادگار ماندگار. قزوین: اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان قزوین.
- پیرنیا، کریم. ۱۳۸۱. معماری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- جنکینز، ریچارد. ۱۳۸۱. هویت اجتماعی، ت: تورج یار احمدی. تهران: نشر شیرازه.
- راپوپورت، آموس. ۱۳۸۸. انسان‌شناسی مسکن، ت: خسرو افضلیان. تهران: انتشارات حرفه هنرمند.
- عینی‌فر، علیرضا. ۱۳۷۹. عوامل انسانی- محیطی مؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی. نشریه هنرهای زیبا، (۸) : ۱۱۸-۱۰۹.
- قاسم زاده، مسعود. ۱۳۸۹. جایگاه پایه ای اتاق در طراحی مسکن. نشریه هنرهای زیبا، (۴۱) : ۱۶-۵.
- قبادیان، وحید. ۱۳۹۲. بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- گیفورد، رابرت. ۱۳۷۸. حریم خصوصی (نهان خواهی)، ت: اکبر سرداری زنون. نشریه معماری و فرهنگ، (۳ و ۲) : ۷۰-۶۲.
- لنگ، جان. ۱۳۸۶. آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ت: علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.
- مارکوس، کلر کوپر. ۱۳۸۲. خانه: نماد خویشستن، ت: احد علیقلیان. فصلنامه خیال، (۵) : ۱۱۹-۸۴.
- موسوی روضاتی، مریم دخت و سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۷۵. گنجنامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران خانه‌های کاشان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نصیری، نگار. ۱۳۸۸. مطالعه تطبیقی مفهوم خلوت در خانه درون‌گرای ایرانی و خانه برون‌گرای غربی. نشریه هنرهای زیبا، (۳۹) : ۳۷-۴۶.
- هال، ادوارد. ۱۳۷۶. بعد پنهان، ت: منوچهر طبیبیان. تهران: دانشگاه تهران.
- پایگاه اینترنتی شهرک مسکونی اکباتان تهران، <http://shahrak-ekbatan.ir/map.html>
- پایگاه اینترنتی شرکت خانه سازی باغمیشه تبریز، / <http://www.baghmisheh.com>